

دعای عرفی

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَيْسَ لِقَضَائِهِ دَافِعٌ وَلَا لِعَطَائِهِ مَانِعٌ وَلَا كَصُنْعِهِ
ستایش خاص خدایی است که نیست برای قضا و حکمش جلوگیری و نه برای عطا و بخششش
مانعی و نه مانند ساخته اش
صُنْعُ صَانِعٍ وَهُوَ الْجَوَادُ الْوَاسِعُ فَطَرَ أَجْنَاسَ الْبَدَائِعِ وَأَتَقَنَ
ساخته هیچ سازنده ای و او است بخشنده وسعت ده که آفرید انواع گوناگون پدیده ها را و
بِحِكْمَتِهِ الصَّنَائِعَ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ الطَّلَائِعُ وَلَا تَضِيعُ عِنْدَهُ الْوَدَائِعُ
به حکمت خویش محکم ساخت مصنوعات را طلایه های (عالم وجود) بر او مخفی نیست و امانتها در نزد او ضایع
نشود

جَازِي كُلِّ صَانِعٍ وَرَائِسٍ كُلِّ قَانِعٍ وَرَاحِمٍ كُلِّ ضَارِعٍ وَمُنْزِلٌ
پاداش دهنده عمل هر سازنده و سامان دهنده زندگی هر قناعت پیشه و مهربان نسبت به هر نالان ،
فروفرستنده

الْمَنَافِعِ وَالْكِتَابِ الْجَامِعِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ وَهُوَ لِلدَّعَوَاتِ سَامِعٌ
هر سود و بهره و آن کتاب جامع بالنور الساطع و هو للدعوات سامع
وَلِلْكَرْبَاتِ دَافِعٌ وَلِلدَّرَجَاتِ رَافِعٌ وَلِلْجَبَابِرَةِ قَامِعٌ فَلَا إِلَهَ غَيْرُهُ وَلَا
و گرفتاریها را برطرف کند و درجات را بالا برد و گردنکشان را ریشه کن سازد پس معبودی جز او نیست و
شَيْءٌ يَّعْدِلُهُ وَكَيْسٌ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ
چیزی با او برابری نکند و چیزی همانندش نیست و او شنوا است و بینا و دقیق و آگاه
وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَرْغَبُ اِلَيْكَوَاَشْهَدُ بِالرُّبُوْبِيَّةِ لَكَ
و او بر هر چیز توانا است خدایا من بسوی تو اشتیاق دارم و به پروردگاری تو گواهی دهم
مُقِرًّا بِاَنَّكَ رَبِّيْ وَ اِلَيْكَ مَرَدِّيْ اِنْتَدَاْتَنِيْ بِنِعْمَتِكَ قَبْلَ اَنْ اَكُوْنَ
اقرار دارم به اینکه تو پروردگار منی و بسوی تو است بازگشت من آغاز کردی وجود مرا به رحمت خود پیش از
آنکه باشم

شَيْئًا مَّدْكُورًا وَخَلَقْتَنِيْ مِنَ التُّرَابِ ثُمَّ اَسْكَنْتَنِيْ الْاَصْلَابَ اَمِيْنًا
چیز قابل ذکری و مرا از خاک آفریدی آنگاه در میان صلیبها جایم دادی و ایمنم ساختی
لِرَيْبِ الْمُنُوْنِ وَاخْتِلَافِ الدُّهُورِ وَالسَّنِيْنَ فَلَمْ اَزَلْ ظَاعِنًا مِنْ
از حوادث زمانه و تغییرات روزگار و سالها و همچنان همواره از

صَلُّبِ إِلَى رَحِمِي فِي تَقَادُمٍ مِنَ الْإَيَّامِ الْمَاضِيَةِ وَالْقُرُونِ الْخَالِيَةِ لَمْ
 صَلْبِي بِهِ رَحْمِي كُوجِ كَرْدَمِ دَرِ اَيَّامِ قَدِيمِ وَ گَزْدَشْتِه وَ قَرْنِهَائِ پِيشِينِ
 تُخْرِجْنِي لِرَأْفَتِكَ بِي وَ لُطْفِكَ لِي وَ اِحْسَانِكَ اِلَيَّ فِي دَوْلَةِ اُمَّةٍ

و از روی مهر و راءفتی که به من داشتی و احسانت نسبت به من مرا به جهان نیاوردی در دوران حکومت
 پیشوایان

الْكُفْرِ الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ وَ كَذَّبُوا رُسُلَكَ لِكَيْنِكَ اَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي

كُفْرِ اَنَّا كِه پِيمانِ تو را شكستند و فرستادگانت را تكذيب كردند ولي در زماني مرا بدنيا آوردی که
 سَبَقْلِي مِنَ الْهُدَى الَّذِي لَهُ يَسَّرْتَنِي وَ فِيهِ اَنْشَأْتَنِي وَ مِنْ قَبْلِ ذَلِكَ

پیش از آن در علمت گذشته بود از هدایتی که اسبابش را برایم مهیا فرمودی و در آن مرا نشو و نما دادی و پیش
 از

رَوُّفْتِ بِي بِجَمِيلِ صُنْعِكَ وَ سَوَابِغِ نِعْمِكَ فَابْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَنِيٍّ

اين نيز به من مهر و ورزیدی بوسيله رفتار نيكويت و نعمتهای شايانت كه پديد آوردی خلقتم را از منی
 يُمْنِي وَ اَسْكَنْتَنِي فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ بَيْنَ لَحْمٍ وَ دَمٍ وَ جِلْدٍ لَمْ

ريخته شده و جايم دادی در سه پرده تاریکی (مشیمه و رحم و شکم) میان گوشت و خون و پوست

تُشْهِدْتَنِي خَلْقِي وَ لَمْ تَجْعَلْ اِلَيَّ شَيْئاً مِنْ اَمْرِي ثُمَّ اَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي

و گواهم نساختی در خلقتم و واگذار نکردی به من چیزی از کار خودم را سپس بیرونم آوردی بدانچه
 سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى اِلَى الدُّنْيَا تَاماً سَوِيّاً وَ حَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلاً

در علمت گذشته بود از هدایتم بسوی دنیا خلقتی تمام و درست و در حال طفولیت و
 خردسالی

صَبِيّاً وَ رَزَقْتَنِي مِنَ الْغِذَاءِ لَبَناً مَرِيّاً وَ عَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ

در گهواره محافظتم کردی و روزیم دادی از غذاها شیری گوارا و دل پرستاران را

الْحَوَاضِ وَ كَفَلْتَنِي الْاُمَّهَاتِ الرَّوَاحِمَ وَ كَلَّاتَنِي مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِّ

بر من مهربان کردی و عهده دار پرستاریم کردی مادران مهربان را و از آسیب جنیان

وَ سَلَّمْتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَ النُّقْصَانِ فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمُ يَا رَحْمَنُ حَتَّى

نگهداریم کردی و از زیادی و نقصان سالم داشتی پس برتری تو ای مهربان و ای بخشاینده تا

اِذَا اسْتَهْلَكْتَ نَاطِقاً بِالْاِكْلَامِ اَتَمَمْتَ عَلَيَّ سَوَابِغَ الْاِنْعَامِ وَ رَبَّيْتَنِي

آنگاه که لب به سخن گشودم و تمام کردی بر من نعمتهای شایانت را و پرورشم دادی

ز ايداً في كل عام حتى إذا اكتملت فطرتي و اعتدلت مرتتي أوجبت

هرساله زیادتیر از سال پیش تا آنگاه که خلقتم کامل شد و تاب و توانم به حد اعتدال رسید واجب کردی

عَلَىٰ حُجَّتِكَ يَا أَلْهَمَنِّي مَعْرِفَتَكَ وَرَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ حِكْمَتِكَ

بر من حجت خود را بدین ترتیب که معرفت خود را به من الهام فرمودی و بوسیله عجایب حکمتت به هراسم انداختی

وَأَبْقَيْتَنِي لِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَاوِكَوَأَرْضِكَ مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ

و بیدارم کردی بدانچه آفریدی در آسمان و زمینت از پدیده های آفرینشت

وَتَبَهَّنْتَنِي لِشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ وَأَوْجَبْتَ عَلَيَّ طَاعَتَكَ وَعِبَادَتَكَ

و آگاهم کردی به سپاسگزاری و ذکر خودت و اطاعت و عبادتت را بر من واجب کردی

وَفَهَّمْتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ وَيَسَّرْتَ لِي تَقَبُلَ مَرْضَاتِكَ وَمَنْنْتَ

و آنچه رسولانت آورده بودند به من فهماندی و پذیرفتن موجبات خوشنودیت را برایم آسان کردی

عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ بِعَوْنِكَ وَلَطْفِكَ ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ الثَّرَى لَمْ

و در تمام اینها به یاری و لطف خود بر من منت نهادی سپس به اینکه مرا از بهترین خاکها آفریدی

تَرَضَّ لِي يَا إِلَهِي نِعْمَةً دُونَ أُخْرَى وَرَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ

راضی نشدی ای معبود من که تنها از نعمتی برخوردار شوم و از دیگری منع کردم بلکه روزیم دادی

وَصُنُوفِ الرِّيَاشِ بِمَنِّكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ

از انواع (نعمتهای) زندگی و اقسام لوازم کامرانی و این بواسطه آن نعمت بخشی بزرگ و بزرگترت بود بر من و آن

احسان دیرینه ات بود

إِلَيَّ حَتَّىٰ إِذَا أَتَمَمْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ النِّعَمِ وَصَرَفْتَ عَنِّي كُلَّ النَّقَمِ

نسبت به من تا اینکه تمام نعمتها را بر من کامل کردی و تمام رنجها و بلاها را از من دور ساختی

لَمْ يَمْنَعْكَ جَهْلِي وَجُرْأَتِي عَلَيْكَ أَنْ دَلَلْتَنِي إِلَيَّ مَا يُقَرِّبُنِي

باز هم نادانی و دلیری من بر من جلوگیری نشد از اینکه راهنماییم کردی بدانچه مرا به تو نزدیک کند

إِلَيْكَ وَوَفَّقْتَنِي لِمَا يُزِلُّنِي لَدَيْكَ فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي وَإِنْ سَأَلْتُكَ

و موفقم داشتی بدانچه مرا به درگاہت مقرب سازد که اگر بخوانمت پاسخم دهی و اگر بخواهم از تو

أَعْطَيْتَنِي وَإِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي وَإِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي كُلُّ ذَلِكَ

به من عطا کنی و اگر اطاعتت کنم قدردانی کنی و اگر سپاسگزاریت کنم بر من بیفزایی و همه اینها

إِكْمَالٌ لِإِنْعَمِكَ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ فَسُبْحَانَكَ سُبْحَانَكَ مِنْ مُبْدِيٍّ

برای کامل ساختن نعمتهای تو است بر من و احسانی است که نسبت به من داری پس منزهی تو، منزّه از آن رو

که آغازنده

مُعِيدِ حَمِيدِ مَجِيدِ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ وَعَظُمَتْ الْأُوْكَ فَآءِى نِعْمِكَ اى ا

نعمتی و بازگرداننده و ستوده و بزرگواری بسی پاکیزه است نامهای تو و بزرگ است نعمتهای تو پس ای

الهی اُحْصِ عَدَدًا وَذِكْرًا اءَمَّ اى عَطَايَاكَ اءَقْوَمُ بِهَا شُكْرًا وَهِيَ يَا

معبود من کدامیک از نعمتهایت را بشماره در آورده و یاد کنم یا برای کدامیک از عطاهایت به سپاسگزاری

اقدام کنم در صورتی که آنها

رَبِّ اَكْثَرَ مِنْ اَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُونَ اءَوْ يَبْلُغَ عِلْمًا بِهَا الْحَافِظُونَ ثُمَّ

ای پروردگار من بیش از آن است که حسابگران بتوانند آنها را بشمارند یا دانش حافظان بدانها رسد سپس ای خدا

مَا صَرَفْتَ وَدَرَأْتَ عَنِّي اَللّٰهُمَّ مِنَ الضَّرِّ وَالضَّرَّاءِ اءَكْثَرَ مِمَّا ظَهَرَ لِي

آنچه را از سختی و گرفتاری از من دور کرده و باز داشتی بیشتر بوده از آنچه برایم آشکار شد

مِنَ الْعَافِيَةِ وَالسَّرَّاءِ وَاَنَا اَشْهَدُ يَا اِلٰهِي بِحَقِيْقَةِ اِيْمَانِي وَعَقْدِي

از تندرستی و خوشی و من گواهی دهم خدا یا به حقیقت ایمان خودم و بدانچه تصمیمات یقینم بدان بسته

است

عَزَمَاتٍ يَّقِيْنِي وَخَالِصِ صَرِيْحٍ تَوْحِيْدِي وَبَاطِنِ مَكْنُوْنِ ضَمِيْرِي

و توحید خالص و بی شائبه خود و درون سرپوشیده نهادم

وَغَلَائِقِ مَجَارِي نُوْرِ بَصْرِي وَاَسَارِيْرِ صَفْحَةِ جَبِيْنِي وَخُرْقِ

و رشته های دید نور چشمانم و خطوط صفحه پیشانیم

مَسَارِبِ نَفْسِي وَخَذَارِيْفِ مَارِنِ عَرْنِيْنِي وَمَسَارِبِ سِيْمَاخِ سَمْعِي

و رخنه های راههای تنفسم و پرده های نرمه بینیم و راههای پرده گوشم

وَمَا ضَمَمْتُ وَاَطْبَقْتُ عَلَيْهِ شَفَتَايَ وَحَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي وَمَعْرَزِ

و آنچه بچسبید و روی هم قرار گیرد بر آن دو لبم و حرکتهای تلفظ زبانم و محل پیوست کام

حَنَكِ قَمِي وَفَكِّي وَمَنَابِتِ اَضْرَاسِي وَمَسَاغِ مَطْعَمِي وَمَشْرَبِي

(فک بالای) دهان و آرواره ام و محل بیرون آمدن دندانهایم و محل چشیدن خوراک و

آشامیدنهایم

وَحِمَالَةِ اُمِّ رَءْءَسِي وَبُلُوْعِ فَاْرِغِ حَبَائِلِ عُنُقِي وَمَا اَشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَأْمُوْرُ

و رشته و عصب مغز سرم و لوله (حلق) متصل به رگهای گردنم و آنچه در برگرفته آن را

صَدْرِي وَحِمَائِلِ حَبْلِ وَتِيْنِي وَنِيَاطِ حِجَابِ قَلْبِي وَاَفْلَاذِ حَوَاشِي

قفسه سینه ام و رشته های رگ قلبم و شاهرگ پرده دلم و پاره های گوشه و کنار

كِبْدِي وَمَا حَوْتُهُ شَرَّاسِيْفُ اَضْلَاعِي وَحِقَاقُ مَفَاصِلِي وَقَبْضُ

جگرم و آنچه را در بردارد استخوانهای دنده هایم و سربندهای استخوانهایم و انقباض

عَوَامِلِي وَأَطْرَافِ أُنَامِلِي وَلَحْمِي وَدَمِي وَشَعْرِي وَبَشْرِي
 عضلات بدنم و اطراف سر انگشتانم و گوشتم و خونم و موی بدنم و بشره پوستم
 وَعَصَبِي وَقَصَبِي وَعِظَامِي وَمُخِّي وَعُرْوَقِي وَجَمِيعُ جَوَارِحِي وَمَا
 و عصبم و ساقم و استخوانم و مغزم و رگهایم و تمام اعضا و جوارحم و آنچه بر اینها
 انْتَسَجَ عَلَي ذَلِكَ أَيَّامَ رِضَاعِي وَمَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي وَنَوْمِي
 بافته شده از دوران شیرخوارگیم و آنچه را زمین از من بر خود گرفته و خوابم
 وَيَقْطَتِي وَسُكُونِي وَحَرَكَاتِ رُكُوعِي وَسُجُودِي أَنْ لَوْ حَاوَلْتُ
 و بیداریم و آرامیدنم و حرکتهای رکوع و سجود من (گواهی دهم) که اگر تصمیم بگیرم
 وَاجْتَهَدْتُ مَدَى الْأَعْصَارِ وَالْأَحْقَابِ لَوْ عَمَّرْتُهَا أَنْ أَعُوذَی شُكْرَ
 و بکوشم در طول قرون و اعصار بر فرض که چنین عمری بکنم و بخواهم شکر
 وَاحِدَةً مِنْ أَعْنَمِكِ مَا اسْتَطَعْتُ ذَلِكَ إِلَّا بِمَنِّكَ الْمَوْجِبِ عَلَيَّ بِهِ
 یکی از نعمتهای تو را بجا آورم نخواهم توانست جز به لطف خود که آن خود واجب کند بر من
 شُكْرُكَ أَبَدًا جَدِيدًا وَتَنَاءً طَارِفًا عَتِيدًا أَجَلُ وَلَوْ حَرَصْتُ أَنَا
 سپاسگزاری را دوباره از نو و موجب ستایشی تازه و ریشه دار گردد آری و اگر حریص باشم من
 وَالْعَادُونَ مِنْ أُنَامِكِ أَعْنُ نُحْصِي مَدَى إِنْعَامِكَ سَالِفِهِ وَآنِفِهِ مَا
 و حسابگران از مخلوق که بخواهیم اندازه نعمت بخشیهای تو را از گذشته و آینده
 حَصْرَنَاهُ عَدَدًا وَلَا أَحْصِينَاهُ أَمْدًا هَيْهَاتَ أَعْنِي ذَلِكَ وَأَنْتَ الْمُخْبِرُ فِي
 به حساب درآوریم نتوانیم بشماره درآوریم و نه از نظر زمان و اندازه آنرا احصاء کنیم! هییهات! کجا چنین چیزی
 میسر است
 كِتَابِكَ النَّاطِقِ وَالنَّبَأِ الصَّادِقِ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا
 و تو خود در کتاب گویا و خبر راست و درستت خبر داده ای که ((اگر بشمارید نعمت خدا را احصاء نتوانید کرد))
 صَدَقَ كِتَابُكَ اللَّهُمَّ وَإِنْبَاءُوكَ وَبَلَّغْتَ أَنْبِيَآؤَكَ وَرُسُلَكَ مَا أَنْزَلْتَ
 خدایا کتاب تو و خبری که دادی راست است و رساندند پیامبران و رسولانت هر چه را بر ایشان از وحی خویش
 فرورستادی
 عَلَيْهِمْ مِنْ وَحْيِكَ وَشَرَعْتَ لَهُمْ وَبِهِمْ مِنْ دِينِكَ غَيْرَ أَعْنِي يَا إِلَهِي
 و آنچه را تشریح کردی برای آنها و بوسیله آنها از دین و آیین خود جز اینکه معبودا
 أَشْهَدُ بِجَهْدِي وَجِدِّي وَمَبْلَغِ طَاعَتِي وَوُسْعِي وَأَعْقُولُ مُؤْمِنًا
 من گواهی دهم به سعی و کوشش من و به اندازه رسائی طاعت و وسعم و از روی ایمان
 مُوقِنًا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا فَيَكُونُ مَؤْرُوثًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ

و یقین می گویم ستایش خدایی را سزااست که نگیرد فرزندی تا از او ارث برند و نیست برایش شریک فی مملکة فیضادّه فیما ابتدعَ ولا ولی من الذلّ فیرفده فیما شریکی در فرمانروایی تا با او ضدیت کنند در آنچه پدید آورد و نه نگهداری از خواری دارد تا کمکش کند در آنچه صنعَ فسُبْحانَهُ سُبْحانَهُ لَوْ كانَ فیهِما إِلَهَةٌ إِلَّا اللهُ لَفَسَدَتا وَتَفَطَّرَتا بوجود آورد پس منزه باد منزه که اگر بود در آسمان و زمین خدایانی جز او هر دو تباه می شدند و از هم متلاشی می گشتند

سُبْحانَ اللهِ الْوَاحِدِ الْإِخْدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ مِنْزَهَ است خدای یگانه یکتای بی نیازی که فرزند ندارد و فرزند کسی نیست و نیست لَهُ كُفْؤاً أَحَدًا الْحَمْدُ لِلَّهِ حَمْدًا يُعَادِلُ حَمْدَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِي آئِهِ برایش همتایی هیچکس ستایش خدای را است ستایشی که برابر ستایش فرشتگان مقرب او و پیمبران الْمُرْسَلِينَ وَصَلَّى اللهُ عَلَى خَيْرَتِهِ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ مرسلش باشد و درود خدا بر بهترین خلقش محمد خاتم پیمبران و آل الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمُخْلِصِينَ وَسَلِّمْ پس شروع فرمود آن حضرت در سؤال و پاک و پاکیزه و خالص او باد و سلام

اهتمام نمود در دعا و آب از دیده های مبارکش جاری بود پس گفت : اَللّهُمَّ اجْعَلْنِي خدایا چنانم

أَخْشَاكَ كَأَنِّي أَرَاكَ وَأَسْعِدْنِي بِتَقْوِيكَ وَلَا تُشَقِّنِي بِمَعْصِيَتِكَ ترسان خودت کن که گویا می بینمت و به پرهیزکاری از خویش خوشبختم گردان و به واسطه نافرمانیت بدبختم مکن

وَخِرْلِي فِي قَضَائِكَ وَبَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ حَتَّى لَا أَعْجِبَ تَعْجِيلَ مَا و در سرنوشت خود خیر برایم مقدر کن و مقدراتت را برایم مبارک گردان تا چنان نباشم که تعجیل آنچه را أَخْرَتَ وَلَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلْتَ اَللّهُمَّ اجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي وَالْيَقِينَ تَوْپَسِ انداخته ای بخواهم و نه تاءخیر آنچه را تو پیش انداخته ای خدایا قرار ده بی نیازی در نفس من و یقین فی قَلْبِي وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي وَالنُّورَ فِي بَصْرِي وَالْبَصِيرَةَ فِي در دلم و اخلاص در کردارم و روشنی در دیده ام و بینایی در دینی وَتَتَّعْنِي بِجَوَارِحِي وَاجْعَلْ سَمْعِي وَبَصْرِي أَلْوَارِثِينَ مِنِّي دینم و مرا از اعضا و جوارحم بهره مند کن و گوش و چشم مرا وارث من گردان (که تا دم مرگ سلامت باشند)

وَأَنْصُرُنِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي وَأَرِنِي فِيهِ ثَارِي وَمَسْأِرِي وَأَقِرِّ بِذَلِكَ
و یاریم ده بر آنکس که به من ستم کرده و انتقام گیری مرا و آرزویم را درباره اش به من بنمایان
عَيْنِي اللَّهُمَّ اكشِفْ كُرْبَتِي وَأَسْتُرْ عَوْرَتِي وَأَغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي
و دیده ام را در این باره روشن کن خدایا محنتم را برطرف کن و زشتیهایم بپوشان و خطایم بیامرز
وَإِحْسَاءَ شَيْطَانِي وَفُكَّ رِهَانِي وَأَجْعَلْ لِي يَا إِلَهِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا فِي
و شیطان و اهریمنم را از من بران و ذمه ام را از گرو برهان و قرار ده خدایا برای من درجه والا در
الْأَخِرَةِ وَالْأُولَى اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي سَمِيعًا
آخرت و در دنیا خدایا حمد تو را است که مرا آفریدی و شنوا
بَصِيرًا وَلَكَ الْحَمْدُ كَمَا خَلَقْتَنِي فَجَعَلْتَنِي خَلْقًا سَوِيًّا رَحْمَةً بِي وَقَدْ
و بینا قرارم دادی و ستایش تو را است که مرا آفریدی و از روی مهری که به من داشتی خلقتم را نیکو آراستی در
كُنْتُ عَنْ خَلْقِي غَنِيًّا رَبِّ بِمَا بَرَأْتَنِي فَعَدَلْتَ فِطْرَتِي رَبِّ بِمَا
صورتیکه تو از خلقت من بی نیاز بودی پروردگارا به آنطور که مرا پدید آوردی و در خلقتم اعتدال بکار بردی
پروردگارا به آنطور
أَنْشَأْتَنِي فَأَحْسَنْتَ صُورَتِي رَبِّ بِمَا أَحْسَنْتَ إِلَيَّ وَفِي نَفْسِي
که بوجودم آوردی و صورتم را نیکو کردی پروردگارا به آنطور که به من احسان کردی و
عَافَيْتَنِي رَبِّ بِمَا كَلَأْتَنِي وَوَفَّقْتَنِي رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَهَدَيْتَنِي
عافیتم دادی پروردگارا آنچنانکه مرا محافظت کردی و موفقم داشتی پروردگارا آنچنانکه بر من
انعام کرده و هدایتم فرمودی
رَبِّ بِمَا أَوْلَيْتَنِي وَمِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَعْطَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَطَعْتَنِي
پروردگارا چنانچه مرا مورد احسان قرار داده و از هر خیری به من عطا کردی پروردگارا آنچنانکه مرا خوراندی
وَسَقَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَعْنَيْتَنِي وَأَفْنَيْتَنِي رَبِّ بِمَا أَعَنْتَنِي وَأَعَزَّزْتَنِي
و نوشاندی پروردگارا آنچنانکه بی نیازم کردی و سرمایه ام دادی پروردگارا آنچنانکه کمکم دادی و
عزتم بخشیدی
رَبِّ بِمَا أَلْبَسْتَنِي مِنْ سِتْرِكَ الصَّافِي وَيَسَّرْتَ لِي مِنْ صُنْعِكَ
پروردگارا آنچنانکه مرا از خلعت باصفایت پوشاندی و از مصنوعات به حد
الْكَافِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَنِّي عَلَى بَوَائِقِ الدُّهُورِ
کافی در اختیارم گذاردی (چنانکه این همه انعام به من کردی) درود فرست بر محمد و آل محمد و کمکم
ده بر پیش آمدهای ناگوار روزگار
وَصُرُوفِ اللَّيَالِي وَالْآيَامِ وَتَجَنِّي مِنَ أَهْوَالِ الدُّنْيَا وَكُرْبَاتِ

و کشمکشهای شبها و روزها و از هراسهای دنیا و اندوههای
 الأ خِرَّةِ وَأَكْفِنِي شَرَّ مَا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِي الارضِ اَللَّهُمَّ مَا أَخَافُ
 آخرت نجاتم ده و از شر آنچه ستمگران در زمین انجام دهند مرا کفایت فرما خدایا از آنچه می ترسم
 فَأَكْفِنِي وَمَا أَخَذَرُ فِقِنِي وَفِي نَفْسِي وَدِينِي فَأَحْرُسْنِي وَفِي سَفَرِي
 کفایتم کن و از آنچه بر حذر م ، نگاهم دار و خودم و دینم را
 فَأَحْفَظْنِي وَفِي أَهْلِي وَمَالِي فَأَحْلِفْنِي وَفِي مَا رَزَقْتَنِي فَبَارِكْ لِي
 حفظ کن و در سفر محافظتم کن و در خانواده و مالم جانشین من باش و در آنچه روزیم کرده ای برکت ده و مرا
 وَفِي نَفْسِي فَذَلِّلْنِي وَفِي أَعْيُنِ النَّاسِ فَعَظِّمْنِي وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ
 در پیش خودم خوار کن و در چشم مردم بزرگم کن و از شر جن
 وَالْإِنْسِ فَسَلِّمْنِي وَبِدُنُوبِي فَلَا تَفْضَحْنِي وَبِسِرِّي فَلَا تُخْزِنِي
 و انس بسلامتم بدار و به گناهان رسوایم مکن و به اندیشه های باطنم سرافکنده ام مکن
 وَبِعَمَلِي فَلَا تَبْتَلْنِي وَبِعَمَلِكَ فَلَا تَسْلُبْنِي وَالِي غَيْرِكَ فَلَا تَكِلْنِي
 و به کردارم دچارم مساز و نعمتهایت را از من مگیر و بجز خودت به دیگری واگذارم مکن
 اِلٰهِي اِلٰی مَنْ تَكِلْنِي اِلٰی قَرِيْبٍ فَيَقْطَعْنِي اَمْ اِلٰی بَعِيْدٍ فَيَتَجَهَّمْنِي اَمْ
 خدایا به که واگذارم می کنی آیا به خویشاوندی که از من ببرد یا بیگانه ای که مرا از خود دور کند یا به کسانی که
 اِلٰی الْمُسْتَضْعَفِيْنَ لِيْ وَاَنْتَ رَبِّيْ وَمَلِيْكُ اَمْرِيْ اَشْكُوْ اِلَيْكَ غُرْبَتِيْ
 خوارم شمرند و تویی پروردگار من و زمامدار کار من بسوی تو شکایت آرم از غربت خود
 وَبُعْدَ دَارِيْ وَهَوَانِيْ عَلٰی مَنْ مَلَكَتْهُ اَمْرِيْ اِلٰهِيْ فَلَا تُحْلِلْ عَلَيَّ
 و دوری خانه ام و خواریم نزد کسی که زمامدار کار من کردی خدایا پس خشم خود را بر من مبار
 غَضَبِكَ فَاِنْ لَمْ تَكُنْ غَضِيْبَتَ عَلَيَّ فَلَا اُبَالِيْ سُبْحَانَكَ غَيْرَ اَنْ
 و اگر بر من خشم نکرده باشی باکی ندارم - منزهی تو - جز اینکه در عین حال
 عَافِيَّتِكَ اَوْسَعُ لِيْ فَاَسْئَلُكَ يَا رَبِّ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِيْ اَشْرَقَتْ لَهُ
 عافیت تو وسیعتر است برای من پس از تو خواهم پروردگارا به نور ذاتت که روشن شد بدان
 الارضُ وَالسَّمَاوَاتُ وَكَشِفَتْ بِهِنَّ الظُّلُمَاتُ وَصَلَّحَ بِهِنَّ الْاَوَّلِيْنَ
 زمین و آسمانها و برطرف شد بدان تاریکیها و اصلاح شد بدان کار اولین
 وَالْاٰخِرِيْنَ اَنْ لَا تُمَيِّتَنِيْ عَلٰی غَضَبِكَ وَلَا تُنْزِلْ بِيْ سَخَطَكَ لَكَ
 و آخرین که مرا بر حال غضب خویش نمیرانی و خشمت را بر من نازل مفرمایی
 الْعُتْبَى لَكَ الْعُتْبَى حَتَّى تَرْضَى قَبْلَ ذٰلِكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ رَبُّ الْبَدَدِ
 مؤ اخذه و بازخواست حق تو است تا گاهی که پیش از آن راضی شوی معبودی جز تو نیست که پروردگار شهر

الْحَرَامِ وَالْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَالْبَيْتِ الْعَتِيقِ الَّذِي أَخْلَلْتَهُ الْبَرَكَةَ وَجَعَلْتَهُ
 محترم و مشعر الحرام و خانه کعبه ای آن خانه ای که برکت را بدان نازل کردی و آنرا برای
 لِلنَّاسِ أَمْنًا يَا مَنْ عَفَا عَنْ عَظِيمِ الذُّنُوبِ بِحِلْمِهِ يَا مَنْ أَسْبَغَ النَّعْمَاءَ
 مردمان خانه امنی قرار دادی ای کسی که از گناهان بزرگ به بردباری خود درگذری ای که نعمتها را
 بِفَضْلِهِ يَا مَنْ أَعْطَى الْجَزِيلَ بِكَرَمِهِ يَا عُدَّتِي فِي شِدَّتِي يَا
 به فضل خود فراوان گردانی ای که عطایای شایان را به کرم خود بدهی ای ذخیره ام در سختی ای
 صَاحِبِي فِي وَحْدَتِي يَا غِيَاثِي فِي كُرْبَتِي يَا وَلِيَّتِي فِي نِعْمَتِي يَا
 رفیق و همدم در تنهایی ای فریادرس من در گرفتاری ای ولی من در نعمتم ای
 إِلَهِي وَالْهَآءِ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَرَبَّ
 معبود من و معبود پدرانم ابراهیم و اسمعیل و اسحاق و یعقوب و پروردگار
 جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَرَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتِمِ النَّبِيِّينَ وَالْهِ
 جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و پروردگار محمد خاتم پیامبران و آل
 الْمُؤْتَمِّجِينَ وَمَنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانَ وَمَنْزِلَ
 برگزیده اش و فروفرستنده تورات و انجیل و زبور و قرآن و نازل کننده
 كَهَيِّعَصَّ وَطَهَ وَيَسَّ وَالْفُرْقَانَ الْحَكِيمِ أَنْتَ كَهْفِي حِينَ تُغَيِّبُنِي
 کههیصص و طه و ((یس و قرآن حکمت آموز)) تویی پناه من هنگامی که درمانده ام کنند
 الْمَذَاهِبُ فِي سَعَتِهَا وَتَضِيقُ بِي الْأَرْضُ بِرُحْبِهَا وَلَوْلَا رَحْمَتُكَ
 راهها با همه وسعتی که دارند و زمین بر من تنگ گیرد با همه پهناوریش و اگر نبود رحمت تو
 لَكُنْتُ مِنَ الْهَالِكِينَ وَأَنْتَ مُقِيلٌ عَثْرَتِي وَلَوْلَا سَتْرُكَ إِيَّايَ لَكُنْتُ
 بطور حتم من هلاک شده بودم و تویی نادیده گیر لغزشم و اگر پرده پوشی تو نبود مسلما
 مِنَ الْمَفْضُوحِينَ وَأَنْتَ مُؤَيِّدِي بِالنَّصْرِ عَلَى أَعْدَائِي وَلَوْلَا نَصْرُكَ
 من از رسواشدگان بودم و تویی که به یاری خود مرا بر دشمنانم یاری دهی و اگر نبود یاری تو
 إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ يَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالسُّمُومِ وَالرَّفْعَةِ
 من مغلوب شده بودم ای که مخصوص کرده خود را به بلندی و برتری
 فَأَوْلِيَاءُهُ بَعْزُهُ يَغْتَرِّزُونَ يَا مَنْ جَعَلَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نَيْرَ الْمَدَلَّةِ
 و دوستانش بوسیله عزت او عزت یابند ای که پادشاهان در برابرش طوق خواری
 عَلَى أَعْنَاقِهِمْ فَهُمْ مِنْ سَطْوَاتِهِ خَائِفُونَ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا
 به گردن گذارند و آنها از سَطْوَتش ترسانند می داند حرکت (یا خیانت) چشمها و آنچه را سینه ها
 تُخْفِي الصُّدُورُ وَغَيْبٌ مَا تَأْتِي بِهِ الْأَزْمِنَةُ وَالذُّهُورُ يَا مَنْ لَا يَعْلَمُ

پنهان کنند و حوادثی که در کمون زمانها و روزگارها است ای که نداند
 كَيْفَ هُوَ إِلَّا هُوَ اِمَّنْ لَا يَعْلَمُ م ا هُوَ اِلَّا هُوَ اِمَّنْ لَا يَعْلَمُهُ اِلَّا هُوَ ا
 چگونگی او را جز خود او ای که نداند چیست او جز او ای که نداند او را جز خود او
 مَنْ كَبَسَ الْاَرْضَ عَلٰى الْمَآءِ وَسَدَّ الْهَوَآءَ بِالسَّمَاەءِ يَا مَنْ لَّهُ اَكْرَمُ
 ای که زمین را بر آب فرو بردی و هوا را به آسمان بستى ای که گرمی ترین
 الاسْمَاءِ يَا ذَا الْمَعْرُوفِ الَّذِى لَا يَنْقَطِعُ اَبَدًا يَا مُقَيِّضَ الرَّكْبِ
 نامها از او است ای دارنده احسانی که هرگز قطع نشود ای گمارنده کاروان برای نجات
 لِيُوسِفَ فِى الْبَلَدِ الْفَقْرِ وَمُخْرِجَهُ مِنَ الْجُبِّ وَجَاعِلَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ
 یوسف در آن جای بی آب و علف و بیرون آورنده اش از چاه و رساننده اش به پادشاهی پس از بندگی
 مَلِكًا يَا رَاەدَهُ عَلٰى يَعْقُوبَ بَعْدَ اَنْ اَبْيَضَتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ
 ای که او را برگرداندی به یعقوب پس از آنکه دیدگانش از اندوه سفید شده بود و آکنده از غم بود
 كَظِيمٍ يَا كَاشِفَ الضَّرِّ وَالْبَلْوٰى عَنِ اَيُّوبَ وَمُمْسِكَ يَدِىْ اِبْرٰهِيْمَ
 ای برطرف کننده سختی و گرفتاری از ایوب و ای نگهدارنده دستهای ابراهیم
 عَنْ ذُبْحِ اِبْنِهِ بَعْدَ كِبَرِ سِنِهِ وَقَنَاءِ عُمَرِهِ يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِزَكَرِيَّا
 از ذبح پسرش پس از سن پیری و بسرآمدن عمرش ای که دعای زکریا را به اجابت رساندی
 فَوَهَّبَ لَهٗ يَحْيٰى وَلَمْ يَدْعُهٗ فَرْدًا وَّحِيدًا يَا مَنْ اَخْرَجَ يُونُسَ مِنْ
 و یحیی را به او بخشیدی و او را تنها و بی کس وامگذاردی ای که بیرون آورد یونس را از
 بَطْنِ الْحُوتِ يَا مَنْ فَلَقَ الْبَحْرَ لِبْنِىْ اِسْرَآءِيْلَ لَفَا نَجَاهُمْ وَجَعَلَ
 شکم ماهی ای که شکافت دریا را برای بنی اسرائیل و (از فرعونیان) نجاتشان داد
 فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ مِنَ الْمُمْرِقِينَ يَا مَنْ اَرْسَلَ الرِّيَّاحَ مُبَشِّرَاتٍ بَيْنَ
 و فرعون و لشکریانش را غرق کرد ای که فرستاد بادها را نوید دهندگانی پیشاپیش
 يَدِىْ رَحْمَتِهٖ يَا مَنْ لَمْ يَعْجَلْ عَلٰى مَنْ عَصَاهُ مِنْ خَلْقِهٖ يَا مَنْ
 آمدن رحمتش ای که شتاب نکند بر (عذاب) نافرمانان از خلق خود ای که
 اسْتَنْقَذَ السَّحْرَةَ مِنْ بَعْدِ طُولِ الْجُحُودِ وَقَدْ غَدَاۗءَ فِى نِعْمَتِهٖۤ اُكْلُوْنَ
 نجات بخشید ساحران (فرعون) را پس از سالها انکار (و کفر) و چنان بودند که متنعم به نعمتهای خدا بودند
 رِزْقَهٗ وَيَعْبُدُوْنَ غَيْرَهٗ وَقَدْ حَادُّوْهُ وَّنَادُّوْهُ وَكَذَّبُوْا رُسُلَهٗ يَا اَللّٰهَ
 که روزیش را می خوردند ولی پرستش دیگری را می کردند و با خدا دشمنی و ضدیت داشتند و رسولانش را
 تکذیب می کردند ای خدا
 يَا بَدِیُّ يَا بَدِیْعُ لَا نِدْلَكَ يَا دَائِمًا لَا نَفَادَ لَكَ يَا حَيًّا حِيْنَ لَا حَيَّ يَا

ای خدا ای آغازنده ای پدیدآورنده ای که همتا نداری ای جاویدانی که زوال نداری ای زنده در آنگاه که زنده ای نبود

مُحْيِي الْمَوْتِي يَا مَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ يَا مَنْ قَلَّ لَهُ

ای زنده کن مردگان ای که مراقبت داری بر هر کس بدانچه انجام داده ای که سپاسگزاری من برایش اندک است

شُكْرِي فَلَمْ يَحْرِمْنِي وَعَظَمْتَ خَطِيئَتِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي وَرَأَى عَلَيَّ

ولی محرومم نکند و خطایم بزرگ است ولی رسوایم نکند و مرا بر

الْمَعَاصِي فَلَمْ يَشْهَرْنِي يَا مَنْ حَفِظَنِي فِي صِغَرِي يَا مَنْ رَزَقَنِي

نافرمانی خویش ببند ولی پرده ام ندرد ای که مرا در کودکی محافظت کردی ای که در بزرگی روزیم دادی

فِي كِبَرِي يَا مَنْ آيَادِهِ عِنْدِي لَا تُحْصِي وَنِعْمَةٌ لَا تُجَازِي يَا مَنْ

ای که اندازه مرحمت هایی که به من کردی بشماره نیاید و نعمتهایش را تلافی ممکن نباشد ای که

عَارَضَنِي بِالْخَيْرِ وَالْإِحْسَانِ وَعَارَضْتَهُ بِالْإِسَاءَةِ وَالْعِصْيَانِ يَا مَنْ

روبرو شد با من به نیکی و احسان ولی من با او به بدی و گناه روبرو شدم ای که

هَدَانِي لِلْإِيمَانِ مِنْ قَبْلِ أَنْ أَعْرِفَ شُكْرَ الْإِيمَانِ يَا مَنْ دَعَاؤُهُ

مرا به ایمان هدایت کرد پیش از آنکه بشناسم طریقه سپاسگزاری نعمتش را ای که خواندمش

مَرِيضًا فَشَفَانِي وَعُرْيَانًا فَكَسَانِي وَجَائِعًا فَاشْبَعَنِي وَعَطْشَانًا

در حال بیماری و او شفایم داد و در برهنگی و او مرا پوشاند و در گرسنگی و او سیرم کرد و در تشنگی

فَارَوَانِي وَذَلِيلًا فَاعَزَّنِي وَجَاهِلًا فَعَرَّفَنِي وَوَحِيدًا فَكَثَّرَنِي وَغَائِبًا

و او سیرابم کرد و در خواری و او عزتم بخشید و در نادانی و او معرفتم بخشید و در تنهایی و او فزونی

جمعیت به من داد

فَرَدَّنِي وَمَقْلًا فَاعْغَانِي وَمُنْتَصِرًا فَانصَرَّنِي وَغَنِيًّا فَلَمْ يَسْأَلْنِي

و در دوری از وطن و او بازم گرداند و در نداری و او دارایم کرد و در کمک خواهی و او یاریم داد و در

ثروتمندی و او از من سلب نفرمود

وَأَمْسَكْتُ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ فَأَبْتَدَأَنِي فَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ يَا مَنْ

و (هنگامی که) از همه این خواسته ها دم بستم تو آغاز کردی پس از آن تو است حمد و سپاس ای که

أَقَالَ عَثْرَتِي وَنَفْسَ كُرْبَتِي وَأَجَابَ دَعْوَتِي وَسَتَرَ عَوْرَتِي وَغَفَرَ

لغزشم را نادیده گرفت و گرفتگی را از من دور کرد و دعایم را اجابت فرمود و عیبم را پوشاند و گناهانم را آمرزید

ذُنُوبِي وَبَلَّغَنِي طَلِبَتِي وَنَصَرَنِي عَلَى عَدُوِّي وَإِنْ أَعَدَّ نِعْمَكَ

و به خواسته ام رسانید و بر دشمنم یاری داد و اگر بخواهم نعمتها

وَمِنْكَ وَكَرَائِمَ مِنْكَ لَا أَحْصِيهَا يَا مَوْلَايَ أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ أَنْتَ

و عطاها و مراحم بزرگ تو را بشمارم نتوانم ای مولای من این تویی که منت نهادی و این تویی
 الَّذِي أَنْعَمْتَ أَنْتَ الَّذِي أَحْسَنْتَ أَنْتَ الَّذِي أَجْمَلْتَ أَنْتَ الَّذِي
 که نعمت دادی این تویی که احسان فرمودی این تویی که نیکی کردی این تویی که فزونی
 أَفْضَلْتَ أَنْتَ الَّذِي أَكْمَلْتَ أَنْتَ الَّذِي رَزَقْتَ أَنْتَ الَّذِي وَقَفْتَ أَنْتَ
 بخشیدی این تویی که کامل کردی این تویی که روزی دادی این تویی که توفیق دادی این تویی
 الَّذِي أَعْطَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَعْنَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَفْنَيْتَ أَنْتَ الَّذِي أَوْيْتَ
 که عطا کردی این تویی که بی نیاز کردی این تویی که ثروت بخشیدی این تویی که ماءوی دادی این
 أَنْتَ الَّذِي كَفَيْتَ أَنْتَ الَّذِي هَدَيْتَ أَنْتَ الَّذِي عَصَمْتَ أَنْتَ الَّذِي
 تویی که کفایت کردی این تویی که هدایت کردی این تویی که نگهداشتی این تویی که
 سَتَرْتَ أَنْتَ الَّذِي غَفَرْتَ أَنْتَ الَّذِي أَقَلْتَ أَنْتَ الَّذِي مَكَّنْتَ أَنْتَ
 پوشاندی این تویی که آمرزیدی این تویی که نادیده گرفتی این تویی که قدرت و چیرگی دادی این تویی
 الَّذِي أَعَزَّزْتَ أَنْتَ الَّذِي أَعَنْتَ أَنْتَ الَّذِي عَضَدْتَ أَنْتَ الَّذِي
 که عزت بخشیدی این تویی که کمک کردی این تویی که پشتیبانی کردی این تویی که
 أَيَّدْتَ أَنْتَ الَّذِي نَصَرْتَ أَنْتَ الَّذِي شَفَّيْتَ أَنْتَ الَّذِي عَافَيْتَ أَنْتَ
 تاءییید کردی این تویی که یاری کردی این تویی که شفا دادی این تویی که عافیت دادی این تویی
 الَّذِي أَكْرَمْتَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ دَائِمًا وَلَكَ الشُّكْرُ
 که اکرام کردی بزرگی و برتری از تو است و ستایش همیشه مخصوص تو است و سپاسگزاری دائمی و
 جاوید
 وَاصِبًا أَبَدًا ثُمَّ أَنَا يَا إِلَهِي الْمُعْتَرِفُ بِذُنُوبِي فَأَغْفِرْهَا لِي أَنَا الَّذِي
 از آن تو است و اما من ای معبودم کسی هستم که به گناهانم اعتراف دارم پس آنها را بیامرزد و این منم که
 أَسَأْتُ أَنَا الَّذِي أَخْطَأْتُ أَنَا الَّذِي هَمَمْتُ أَنَا الَّذِي جَهَلْتُ أَنَا الَّذِي
 بد کردم این منم که خطا کردم این منم که (به بدی) همت گماشتم این منم که نادانی کردم این منم که
 غَفَلْتُ أَنَا الَّذِي سَهَوْتُ أَنَا الَّذِي اعْتَمَدْتُ أَنَا الَّذِي تَعَمَّدْتُ أَنَا
 غفلت ورزیدم این منم که فراموش کردم این منم که (به غیر یا به خود) اعتماد کردم این منم
 الَّذِي وَعَدْتُ وَأَنَا الَّذِي أَخْلَفْتُ أَنَا الَّذِي نَكَّثْتُ أَنَا الَّذِي أَقْرَرْتُ أَنَا
 که (به کاربرد) تعمد کردم این منم که وعده دادم و این منم که خلف وعده کردم این منم که پیمان شکنی
 کردم این منم که به بدی اقرار کردم
 الَّذِي اعْتَرَفْتُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَعِنْدِي وَأَبُوءُ بِذُنُوبِي فَأَغْفِرْهَا لِي يَا

این منم که به نعمت تو بر خود و در پیش خود اعتراف دارم و با گناهانم بسویت بازگشته ام پس آنها را بیامرز ای

مَنْ لَا تَضُرُّهُ ذُنُوبٌ عِبَادِهِ وَهُوَ الْعَنِيُّ عَنِ طَاعَتِهِمْ وَالْمَوْقُوقُ مَنْ

که زیانش نرساند گناهان بندگان و از اطاعت ایشان بی نیازی و تو آنی که هرکس از بندگان

عَمِلَ صَالِحاً مِنْهُمْ بِمَعُونَتِهِ وَرَحْمَتِهِ فَلَكَ الْحَمْدُ إِلَهِي وَسَيِّدِي

کردار شایسته ای انجام دهد به رحمت خویش توفیقش دهی پس تو را است ستایش ای معبود و آقای من

إِلَهِي أَمَرْتَنِي فَعَصَيْتُكَ وَنَهَيْتَنِي فَأَرْتَكَبْتُ نَهْيَكَ فَأَصْبَحْتُ لَا ذَا

خدایا به من دستور دادی و من نافرمانی کردم و نهی فرمودی ولی من نهی تو را مرتکب شدم و اکنون به حالی

افتاده ام که

بَرِ آءَةٌ لِي فَأَعْتَدِرُّ وَلَا ذَا قُوَّةٍ فَأَنْتَصِرُ قِبَاءِي شَيْءٍ اسْتَقْبَلِكَ يَا

نه وسیله تبرئه ای دارم که پوزش خواهم و نه نیرویی دارم که بدان یاری گیرم پس به چه وسیله با تو روبرو شوم

مَوْلَايَ أَيْسَمَعِي أَمْ بِبَصَرِي أَمْ بِلِسَانِي أَمْ بِيَدِي أَمْ بِرِجْلِي أَلَيْسَ

ای مولای من آیا به گوشم یا به چشمم یا به زبانم یا به دستم یا به پایم آیا

كُلُّهَا نِعْمَكَ عِنْدِي وَبِكُلِّهَا عَصَيْتُكَ يَا مَوْلَايَ فَلَكَ الْحُجَّةُ وَالسَّبِيلُ

همه اینها نعمتهای تو نیست که در پیش من بود و با همه آنها تو را معصیت کردم ای مولای من پس تو حجت و راه

مؤاخذه

عَلَيَّ يَا مَنْ سَتَرْتَنِي مِنَ الْأَبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ أَنْ يَزْجُرُونِي وَمِنْ

بر من داری ای که مرا پوشاندی از پدران و مادران که مرا از نزد خود برانند و از

الْعَشَائِرِ وَالْأَخْوَانِ أَنْ يُعَيِّرُونِي وَمِنْ السَّلَاطِينِ أَنْ يُعَاقِبُونِي وَلَوْ

فامیل و برادران که مرا سرزنش کنند و از سلاطین و حکومتها که مرا شکنجه کنند و اگر

اطَّلَعُوا يَا مَوْلَايَ عَلَيَّ مَا اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي إِذَا مَا أَنْظَرُونِي

آنها مطلع بودند ای مولای من بر آنچه تو بر آن مطلعی از کار من در آن هنگام مهلتم نمی دادند

وَلَرَفْضُونِي وَقَطَعُونِي فَمَا أَنَا ذَا يَا إِلَهِي بَيْنَ يَدَيْكَ يَا سَيِّدِي

و از خود دورم می کردند و از من می بریدند و اینک خدایا این منم که در پیشگاهت ایستاده ای آقای من

خَاضِعٌ ذَلِيلٌ حَصِيرٌ حَقِيرٌ لَا ذُو بَرٍّ أَيْئَةً فَأَعْتَدِرُّ وَلَا ذُو قُوَّةٍ فَأَنْتَصِرُ

با حال خضوع و خواری و درماندگی و کوچکی نه وسیله تبرئه جویی دارم که پوزش طلبم و نه نیرویی که یاری

جویم

وَلَا حُجَّةٍ فَأَخْتَجُّ بِهَا وَلَا قَائِلٌ لَمْ أَجْتَرِحْ وَلَمْ أَعْمَلْ سُوءًا وَمَا عَسَى

و نه حجت و برهانی که بدان چنگ زخم و نه می توانم بگویم که گناه نکرده ام و کجا می تواند انکار - فرضا که انکار کنم

الْجُحُودَ وَلَوْ جَحَدْتُ يَا مَوْلَايَ يَنْفَعُنِي كَيْفَ وَآتَى ذَلِكَ وَجَوَارِحِي

ای مولای من - سودم بخشد! چگونه؟ و کجا؟ با اینکه تمام اعضای من

کُلُّهَا شَاهِدَةٌ عَلَيَّ بِمَا قَدْ عَمِلْتُ وَعَلِمْتُ يَقِينًا غَيْرَ ذِي شَكٍّ أَنْكَ

گواهند بر من به آنچه انجام داده و به یقین می دانم و هیچگونه شک و تردیدی ندارم که تو از کارهای بزرگ از من

سَأَلْتَنِي مِنْ عَظَائِمِ الْأُمُورِ وَأَنْكَ الْحَكْمَ الْعَدْلُ الَّذِي لَا تَجُورُ

پرسش خواهی کرد و تویی آن داور عادل که ستم نکند و همان عدالتت

وَعَدْلُكَ مُهْلِكِي وَمِنْ كُلِّ عَدْلِكَ مَهْرَبِي فَإِنْ تُعَذِّبْنِي يَا إِلَهِي

مرا هلاک کند و از تمام عدالت تو می گریزم اگر عذابم کنی خدایا

فَبِذُنُوبِي بَعْدَ حُجَّتِكَ عَلَيَّ وَإِنْ تَغْفُ عَنِّي فَبِحِلْمِكَ وَجُودِكَ

بواسطه گناهان من است پس از آنکه حجت بر من داری و اگر از من درگذری پس به بردباری و

بخشندگی و

وَكْرَمِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا

بزرگواری تو است معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از ستمکارانم معبودی جز تو

أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ

نیست منزهی تو و من از آمرزش خواهانم معبودی جز تو نیست منزهی تو

إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُؤَخِّدِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ

و من از یگانه پرستانم معبودی نیست جز تو منزهی تو و من از

الْخَائِفِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْوَجِلِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا

ترسناکانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از هراسناکانم معبودی جز تو نیست

أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الرَّاجِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي

منزهی تو و من از امیدوارانم معبودی نیست جز تو منزهی تو و

كُنْتُ مِنَ الرَّاغِبِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُهْلِكِينَ لَا

من از مشتاقانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از تهلیل (لاله الاالله) گویانم

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُنَالِسَاتِ أَلَيْسَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ

معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از خواهندگانم معبودی جز تو نیست منزهی تو

إِنِّي كُنْتُ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ

و من از تسبیح گویانم معبودی جز تو نیست منزهی تو و من از تکبیر

الْمُكَبَّرِينَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ رَبِّي وَرَبُّ آبَائِي الْأَوَّلِينَ أَللَّهُمَّ
 (الله اکبر) گویانم معبودی نیست جز تو منزهی تو پروردگار من و پروردگار پدران پیشین من خدایا
 هذا ثَنَائِي عَلَيْكَ مُمَجِّدًا وَإِخْلَاصِي لِذِكْرِكَ مَوْحِدًا وَإِقْرَارِي
 این است ستایش من بر تو در مقام تمجیدت و این است اخلاص من بذکر در مقام یکتاپرستیت و اقرار من
 بِإِلَائِكَ مُعَدِّدًا وَإِنْ كُنْتُ مُقِرًّا أَنِّي لَمْ أَحْصِهَا لِكَثْرَتِهَا وَسُبُوغِهَا
 به نعمتهایت در مقام شماره آنها گرچه من اقرار دارم که آنها را نتوانم بشماره درآورم از بسیاری آنها و فراوانی
 وَتَظَاهِرِهَا وَتَقَادُمِهَا إِلَى حَادِثٍ مَا لَمْ تَزَلْ تَتَعَهَّدُنِي بِهِ مَعَهَا مُنْذُ
 و آشکاری آنها و پیشی جستن آنها از زمان پیدایش من که همواره در آن عهد مرا بوسیله آن نعمتها یادآوری
 می کردی

خَلَقْتَنِي وَبَرَأْتَنِي مِنْ أَوَّلِ الْعُمُرِ مِنَ الْأَعْنََاءِ مِنَ الْفَقْرِ وَكَشَفَ
 از آن ساعت که مرا آفریدی و خلق کردی از همان ابتدای عمر که از نداری و فقر مرا به توانگری درآوردی
 الضُّرَّ وَتَسْبِيبِ الْيُسْرِ وَدَفْعِ الْعُسْرِ وَتَفْرِيجِ الْكُرْبِ وَالْعَافِيَةَ فِي
 و گرفتاریم برطرف کردی و اسباب آسایش مرا فراهم ساختی و سختی را دفع نموده و اندوه را زدودی و تنم را
 تندرست و

الْبَدَنِ وَالسَّلَامَةَ فِي الدِّينِ وَلَوْ رَفَدَنِي عَلَى قَدْرِ ذِكْرِ نِعْمَتِكَ جَمِيعُ
 دینم را سلامت داشتی و اگر یاریم دهند به اندازه ای که نعمت را ذکر کنم تمام
 الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ مَا قَدَرْتُ وَلَا هُمْ عَلَى ذَلِكَ
 جهانیان از اولین و آخرین نه من قدرت ذکرش را دارم نه آنها منزهی تو
 تَقَدَّسَتْ وَتَعَالَيْتَ مِنْ رَبِّ كَرِيمٍ عَظِيمٍ رَحِيمٍ لَا تُحْصِي الْأَوْكَ وَلَا
 و برتری از اینکه پروردگاری هستی کریم و بزرگ و مهربان که مهرورزی هایت به شماره درنیاید
 يُبْلَغُ ثَنَاؤُكَ وَلَا تُكَافِي نِعْمَاؤُكَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
 و ستایشت به آخر نرسد و نعمتهایت را تلافی نتوان کرد درود فرست بر محمد و آل محمد
 وَأَتَمِّمْ عَلَيْنَا نِعْمَكَ وَأَسْعِدْنَا بِطَاعَتِكَ سُبْحَانَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ اللَّهُمَّ
 و کامل گردان بر ما نعمتهایت را و بوسیله اطاعت خویش سعادت مندمان گردان منزهی تو معبودی جز تو
 نیست خدایا

أَنَّكَ تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ وَتَكْشِفُ السُّوءَ وَتَغِيثُ الْمَكْرُوبِ وَتَشْفِي
 تویی که اجابت کنی دعای درمانده را و برطرف کنی بدی را و فریادرسی کنی از گرفتار و شفا دهی
 السَّقِيمَ وَتَغْنِي الْفَقِيرَ وَتَجْبِرُ الْكَسِيرَ وَتَرْحَمُ الصَّغِيرَ وَتَعِينُ الْكَبِيرَ

به بیمار و بی نیاز کنی فقیر را و مرمت کنی شکستگی را و رحم کنی به کودک خردسال و یاری دهی به پیر کهنسال

وَلَيْسَ دُونَكَ ظَهِيرٌ وَلَا فَوْقَكَ قَدِيرٌ وَأَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ يَا مُطْلِقَ

و جز تو پشتیبانی نیست و نه فوق (توانایی) تو توانایی و تویی والای بزرگ ای

الْمُكَبَّلِ الْأَسِيرِ يَا رَازِقَ الطُّفْلِ الصَّغِيرِ يَا عِصْمَةَ الْخَائِفِ

رهاکننده اسیر در کُند و زنجیر ای روزی دهنده کودک خردسال ای پناه شخص ترسانی

الْمُسْتَجِيرِ يَا مَنْ لَا شَرِيكَ لَهُ وَلَا وَزِيرَ صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

که پناه جوید ای که شریک و وزیر برای او نیست درود فرست بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ وَأَعْظِنِي فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ أَفْضَلَ مَا أَعْطَيْتَ وَأَنْتَ أَحَدًا مِنْ

محمد و عطا کن به من در این شام بهترین چیزی را که عطا کردی و دادی به یکی از

عِبَادِكَ مِنْ نِعْمَةٍ تُؤَلِّيهَا وَالْأَيُّ تُجَدِّدُهُ أَوْ بَلِيَّةٍ تَصْرِفُهُ أَوْ كُرْبَةٍ

بندگان چه آن نعمتی باشد که می بخشی و یا احسانهایی که تازه کنی و بلاهایی که می گردانی و غم و اندوهی که

تَكْشِفُهَا وَدَعْوَةٍ تَسْمَعُهَا وَحَسَنَةٍ تَتَقَبَّلُهَا وَسَيِّئَةٍ تَنْعَمُّدُهَا إِنَّكَ

برطرف کنی و دعایی که اجابت کنی و کار نیکی که پذیری و گناهایی که ببوشانی که براستی

لَطِيفٌ بِمَا تَشَاءُ خَبِيرٌ وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَقْرَبُ مَنْ

تو بهر چه خواهی دقیق و آگاهی و بر هر چیز توانایی خدایا تو نزدیکترین کسی هستی که

دُعَى وَأَسْرَعُ مَنْ أَجَابَ وَأَكْرَمُ مَنْ عَفَى وَأَوْسَعُ مَنْ أَعْطَى وَأَسْمَعُ

خوانندت و از هرکس زودتر اجابت کنی و در گذشت از هرکس بزرگواری و در عطابخشی

عطایت از همه وسیعتر

مَنْ سَأَلَ يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِمَهُمَا لَيْسَ كَمَثَلِكَ مَسْئُولٌ

و در اجابت درخواست از همه شنواتری ای بخشاینده دنیا و آخرت و مهربان آن دو براستی کسی که مانند تو از

او درخواست شود

وَلَا سِوَاكَ مَأْمُولٌ دَعْوَتُكَ فَأَجَبْتَنِي وَسَأَلْتُكَ فَأَعْظَيْتَنِي وَرَغِبْتُ

نیست و جز تو آرزو شده ای نیست خواندمت و تو اجابت کردی و درخواست کردم و تو عطا کردی و به درگاه

تو میل کردم

إِلَيْكَ فَرَحِمْتَنِي وَوَقَّعْتَ بِي فَانْجَيْتَنِي وَفَزَعْتَ إِلَيْكَ فَكَفَيْتَنِي اللَّهُمَّ

و تو مرا مورد مهر خویش قرار دادی و به تو اعتماد کردم و تو نجاتم دادی و به درگاه تو نالیدم و تو کفایت کردی

خدایا

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ

درود فرست بر محمد بنده و رسول و پیامبرت و بر آل پاک
 الطَّاهِرِينَ أَجْمَعِينَ وَتَمِّمْ لَنَا نِعْمَاتِكَ وَهَنُّنَا عَطَائِكَ وَاکْتُبْنَا لَكَ
 و پاکیزه اش همگی و نعمتهای خود را بر ما کامل گردان و عطایت را بر ما گوارا کن و نام ما را در زمره
 شاکرین و لِأَنَّكَ ذَاکِرِينَ آمین آمین رَبَّ الْعَالَمِينَ اَللَّهِمَّ اِیْمَنْ
 سپاسگزارانت بنویس و هم جزء یادکنندگان نعمتهایت آمین آمین ای پروردگار جهانیان خدایا ای که
 مَلِكٍ فَقَدَرٌ وَقَدَرٌ فَفَقَهَرٌ وَعَصِيٌّ فَسْتَرٌ وَاسْتُغْفِرَ فَغَفَرَ يَا غَايَةَ
 مالک آمد و توانا، و توانا است و قاهر و نافرمانی شد ولی پوشاند و آمرزشش خواهند و آمرزد ای کمال مطلوب
 الطَّالِبِينَ الرَّاعِبِينَ وَمُنْتَهَى أَمَلِ الرَّاجِينَ يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ
 جویندگان مشتاق و منتهای آرزوی امیدواران ای که دانشش بهر چیز احاطه دارد
 عِلْمًا وَوَسِعَ الْمُسْتَقِيلِينَ رَأْفَةً وَرَحْمَةً وَحِلْمًا اَللَّهُمَّ اِنَّا نَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ
 و رافت و مهر و بردباریش توبه جویان را فرا گرفته خدایا ما رو به درگاه تو آوریم
 فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ الَّتِي شَرَّفْتَهَا وَعَظَّمْتَهَا بِمُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ
 در این شبی که آنرا شرافت و بزرگی دادی بوسیله محمد پیامبرت و فرستاده ات
 وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَآمِينِكَ عَلَيَّ وَخَيْرِكَ اَلْبَشِيرِ النَّذِيرِ السَّرَاجِ
 و برگزیده ات از آفریدگان و آمین تو بر وحیت آن مژده دهنده و ترساننده و آن چراغ
 الْمُنِيرِ الَّذِي اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ الْمُسْلِمِينَ وَجَعَلْتَهُ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ
 تابناک آنکه بوسیله اش بر مسلمانان نعمت بخشیدی و رحمت عالمیان قرارش دادی
 اَللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مُحَمَّدٌ اَهْلٌ لِّذَلِكَ مِنْكَ يَا
 خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد چنانچه محمد نزد تو شایسته آنست ای خدای
 عَظِيمٍ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى اِلِهِ الْمُتَنَجِّبِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ
 بزرگ پس درود فرست بر او و بر آل برگزیده پاک و پاکیزه اش
 أَجْمَعِينَ وَتَعَمَّدْنَا بِعَفْوِكَ عَنَّا فَالْيَاكَ عَجَّتِ الْاَصْوَاتُ بِصُنُوفِ
 همگی و بپوشان ما را به گذشت خود زیرا صداها با انواع مختلف
 اللُّغَاتِ فَاجْعَلْ لَنَا اَللَّهُمَّ فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ نَصِيبًا مِنْ كُلِّ خَيْرٍ تَقْسِمُهُ
 لغتهاشان (و هرکس به زبانی ناله اش) بسوی تو بلند است پس ای خدا برای ما قرار ده در این شام بهره ای از هر
 خیری که
 بَيْنَ عِبَادِكَ وَنُورٍ تَهْدِي بِهِ وَرَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا وَبَرَكَهٍ تُنْزِلُهَا وَعَافِيَةٍ
 میان بندگانت تقسیم فرمایی و نوری که بدان هدایت فرمایی و رحمتی که بگستری آنرا و برکتی که نازلش کنی و
 عافیتی

تُجَلِّهْهَا وَرِزْقٍ تَبْسُطُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ أَقْلِبْنَا فِي هَذَا
 که بیوشانی و روزی و رزقی که پهن کنی ای مهربانترین مهربانان خدایا برگردان ما را در این
 الْوَقْتِ مُنْجِحِينَ مُفْلِحِينَ مَبْرُورِينَ غَانِمِينَ وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ
 هنگام پیروزمند و رستگار و پذیرفته و بهره مند و از ناامیدان قرارمان مده و از
 الْقَانِطِينَ وَلَا تُخَلِّنا مِنْ رَحْمَتِكَ وَلَا تَحْرِمْنا مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ فَضْلِكَ
 رحمتت دست خالیمان مفرما و محرومان مکن از آنچه از فضل تو آرزومندیم
 وَلَا تَجْعَلْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ مَحْرُومِينَ وَلَا لِفَضْلِكَ مَا نُؤَمِّلُهُ مِنْ عَطَائِكَ
 و جزء محرومان رحمتت قرارمان مده و نه ناامیدمان کن از آن زیادی عطایت که
 قَانِطِينَ وَلَا تَرُدَّنَا خَائِبِينَ وَلَا مِنْ بَابِكَ مَطْرُودِينَ يَا أَجُودَ
 آرزومندیم و ناکام بازمان مگردان و از درگاهت مطرود و رانده مان مکن ای بخشنده ترین
 الْأَجُودِينَ وَأَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ إِلَيْكَ أَقْبَلْنَا مَوْقِنِينَ وَلِبَيْتِكَ الْحَرَامِ
 بخشندگان و کریمترین کریمان ما با یقین به درگاه تو رو آوردیم و به آهنگ (زیارت) خانه محترم تو (کعبه بدینجا)
 آمِنَ قاصِدِينَ قَاعِنًا عَلَى مَنَاسِكِنَا وَأَكْمِلْ لَنَا حَجَّنَا وَاعْفُ عَنَّا
 آمدیم پس کمک ده ما را بر انجام مناسک حج و حجامان را کامل گردان و از ما درگذر
 وَعَافِنَا فَقَدْ مَدَدْنَا إِلَيْكَ أَيَّدِينَا فَهِيَ بِذَلِكَ الْأِعْتِرَافِ مَوْسُومَةٌ اللَّهُمَّ
 و تندرستمان دار زیرا که ما بسوی تو دو دست (نیاز) دراز کرده ایم و آن دستها چنان است که به خواری اعتراف به
 گناه نشاندار شده خدایا
 فَأَعْطِنَا فِي هَذِهِ الْعَشِيَّةِ مَا سَأَلْنَاكَ وَأَكْفِنَا مَا اسْتَكْفَيْنَاكَ فَلَا كَافِيَ لَنَا
 در این شام به ما عطا کن آنچه را از تو خواسته ایم و کفایت کن از ما آنچه را از تو کفایت آنرا خواستیم زیرا کفایت
 کننده ای
 سِوَاكَ وَلَا رَبَّ لَنَا غَيْرَكَ نَافِذٌ فِينَا حُكْمُكَ مُحِيطٌ بِنَا عِلْمُكَ عَدْلٌ
 جز تو نداریم و پروردگاری غیر از تو برای ما نیست تویی که فرمانت درباره ما نافذ و دانشت به ما احاطه
 دارد
 فِينَا قَضَاؤُكَ إِفْضُ لَنَا الْخَيْرَ وَاجْعَلْنَا مِنْ أَهْلِ الْخَيْرِ اللَّهُمَّ أَوْجِبْ لَنَا
 وحکمی که درباره ما فرمایی از روی عدالت است خدایا خیر و نیکی برای ما مقرر کن و از اهل خیر قرارمان ده
 خدایا واجب گردان برای ما
 بِجُودِكَ عَظِيمِ الْأَجْرِ وَكَرِيمِ الذُّخْرِ وَدَوَامِ الْيُسْرِ وَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا
 از آن جودی که داری پاداشی بزرگ و ذخیره ای گرامی و آسایشی همیشگی و بیامرزش گناهان ما را
 أَجْمَعِينَ وَلَا تُهْلِكْنَا مَعَ الْهَالِكِينَ وَلَا تَصْرِفْ عَنَّا رَأْفَتَكَ وَرَحْمَتَكَ

همگی و در زمره هلاک شدگان بدست هلاکتمان مسپار و مهر و راءفتت را از ما باز مگردان
یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي هَذَا الْوَقْتِ مِمَّنْ سَأَلَكَ فَأَعْطَيْتَهُ

ای مهربانترین مهربانان خدایا قرارمان ده در این وقت از آن کسانی که از تو درخواست کرده و بدیشان عطا
فرموده ای

وَشَكَرَكَ فَرِحْتَهُ وَتَابَ إِلَيْكَ فَاقْبَلْتَهُ وَتَنَصَّلَ إِلَيْكَ مِنْ ذُنُوبِهِ كُلِّهَا

و شکر تو را بجا آورده و تو نعمتت را بر آنها افزون کرده و بسویت بازگشته و تو پذیرفته ای و از گناهان بسوی
فَعَفَرْتَهَا لَهُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ اللَّهُمَّ وَنَقْنَا وَسَدَدْنَا وَأَقْبَلْ

تو بیرون آمده و تو همه را آمرزیده ای ، ای صاحب جلالت و بزرگواری خدایا ما را پاکیزه و (در دین)
محکمان گردان

تَضَرَّعْنَا يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَيَا اَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْحِمَ يَا مَنْ لَا يَخْفَى

و تضرع و زاریمان بپذیر ای بهترین کسی که از او درخواست شود و ای مهربانترین کسی که از او مهر خواهند ای که
بر او پوشیده نیست

عَلَيْهِ اِغْمَاضُ الْجُفُونِ وَلَا لِحْظُ الْعُيُونِ وَلَا مَا اسْتَقَرَّ فِي الْمَكْنُونِ

بهم نهادن پلکهای چشم و نه بر هم خوردن دیدگان و نه آنچه در مکنون ضمیر مستقر گردیده

وَلَا مَا انْطَوَّتْ عَلَيْهِ مَضْمَرَاتُ الْقُلُوبِ اِلَّا كُلُّ ذَلِكَ قَدْ اُحْصَاهُ

و نه آنچه در پرده دلها نهفته است آری تمام آنها را

عِلْمُكَ وَوَسِعَهُ حِلْمُكَ سُبْحَانَكَ وَتَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عُلُوًّا

دانش تو شماره کرده و بردباریت همه را در برگرفته است منزهی تو و برتری از آنچه ستمکاران گویند
برتری

كَبِيرًا تُسَبِّحُ لَكَ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْاَرْضُونَ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ

بسیاری ، تنزیه کنند تو را آسمانهای هفتگانه و زمینها و هر که در آنها است و چیزی نیست

شَيْءٍ اِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ فَلِكَا الْحَمْدُ وَالْمَجْدُ وَعُلُوُّ الْجَدِّ يَا ذَا الْجَلَالِ

جز آنکه به ستایش تو تسبیح کند پس تو را است ستایش و بزرگواری و بلندی رتبه ، ای صاحب جلالت

وَالْاِكْرَامِ وَالْفَضْلِ وَالْاِنْعَامِ وَالْاِيَادِي الْجِسَامِ وَأَنْتَ الْجَوَادُ

و بزرگواری و فضل و نعمت بخشی و موهبتهای بزرگ و تویی بخشنده

الْكَرِيمِ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ

بزرگوار رؤوف و مهربان خدایا فراخ گردان بر من از روزی حلال خود

وَعَافِنِي فِي بَدَنِي وَدِينِي وَآمِنُ خَوْفِي وَأَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ

و عافیتم بخش در تن و هم در دینم و ترسم را امان بخش و از آتش دوزخ آزادم کن

اللَّهُمَّ لَا تَمَكِّرْ بِي وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي وَلَا تَخْدَعْنِي وَأَذِرْ عَنِّي شَرَّ
 خدایا مرا به مکر خود دچار مساز و در غفلت تدریجی بسوی نابودی مبر و فریبم مده و شرِّ
 فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ پس سر و دیده خود را بسوی آسمان بلند کرد و از دیده های
 تبهکاران جن و انس را از من دور کن
 مبارکش آب می ریخت مانند دو مشک و صدای بلند گفت : يَا أَسْمَعَ السَّمْعِينَ يَا
 ای شنواترین شنوندگان ای
 أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ صَلِّ عَلَيَّ
 بیناترین بینایان و ای سریعترین حساب رسان و ای مهربانترین مهربانان درود فرست بر
 مُحَمَّدٍ وَالْأَلِ مُحَمَّدٍ السَّادَةِ الْمَيَامِينِ وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ حَاجَتِي الَّتِي إِن
 محمد و آل محمد آن آقایان فرخنده و از تو ای خدا درخواست کنم حاجتم را که اگر آنرا به من
 أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي وَإِن مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا
 عطا کنی دیگر هرچه را از من دریغ کنی زیانم نزند و اگر آنرا از من دریغ داری دیگر سودم ندهد هرچه
 أَعْطَيْتَنِي فَأَسْأَلُكَ فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ لِإِلَهٍ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ
 به من عطا کنی و آن این است که از تو خواهم مرا از آتش دوزخ آزاد گردانی معبودی جز تو نیست یگانه ای که
 لَكَ لَكَ الْمُلْكُ وَلَكَ الْحَمْدُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا رَبُّ يَا رَبُّ
 شریک نداری از تو است فرمانروایی و از تو است ستایش و تویی که بر هر چیز توانایی ای پروردگار ای
 پروردگار
 پس مکرر می گفت یارب و کسانی که دور آن حضرت بودند تمام گوش داده بودند به دعاء آن حضرت واکتفا
 کرده بودند به آمین گفتن پس صداهایشان بلند
 شد به گریستن با آن حضرت تا غروب کرد آفتاب و بار کردند و روانه جانب مشعرالحرام
 شدند مؤلف گوید که کفعمی دعاء عرفه امام حسین (ع) را در بلدالامین تا اینجا نقل فرموده و علامه مجلسی در
 زاد المعاد این دعای شریف را موافق روایت کفعمی ایراد نموده و لکن سیّد بن طاووس در اقبال بعد از یارب
 یا رَبُّ
 این زیادتی را ذکر فرموده : إِلَهِي أَنَا الْفَقِيرُ فِي غِنَايَ فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَقِيرًا
 خدا من چنانم که در حال توانگری هم فقیرم پس چگونه فقیر نباشم
 فِي فَقْرِي إِلَهِي أَنَا الْجَاهِلُ فِي عِلْمِي فَكَيْفَ لَا أَكُونُ جَهْلًا فِي
 در حال تهیدستیم خدایا من نادانم در عین دانشمندی پس چگونه نادان نباشم در عین
 جَهْلِي إِلَهِي إِنَّ اخْتِلَافَ تَدْبِيرِكَ وَسُرْعَةَ طَوْءِ مَقَادِيرِكَ مَنَعَا
 نادانی خدایا برآستی اختلاف تدبیر تو و سرعت تحول و پیچیدن در تقدیرات تو جلوگیری کنند

عِبَادَكَ الْعَارِفِينَ بِكَ عَنِ السُّكُونِ إِلَى عَطَاءٍ وَالْيَأْسِ مِنْكَ فِي بَلَاءٍ

از بندگان عارف تو که به عطایت دل آرام و مطمئن باشند و در بلای تو مایوس و ناامید شوند

إِلَهِي مِنِّي مَا يَلِيقُ بِلُؤْمِي وَمِنْكَ مَا يَلِيقُ بِكَرَمِكَ إِلَهِي وَصَفْتِ

خدایا از من همان سرزند که شایسته پستی من است و از تو انتظار رود آنچه شایسته بزرگواری تو است
خدایا تو

نَفْسَكَ بِاللُّطْفِ وَالرَّأْفَةِ لِي قَبْلَ وُجُودِ ضَعْفِي أَفْتَمَنَعَنِي مِنْهُمَا بَعْدَ

خود را به لطف و مهر به من توصیف فرمودی پیش از آنکه ناتوان باشم آیا پس از ناتوانیم لطف و مهرت
را از من

وُجُودِ ضَعْفِي إِلَهِي إِنْ ظَهَرَتْ الْمَحَاسِنُ مِنِّي فَبِفَضْلِكَ وَلَكَ الْمِنَّةُ

دریغ می داری خدایا اگر کارهای نیک از من سرزند به فضل تو بستگی دارد و تو را منتی است بر
من

عَلَيَّ وَإِنْ ظَهَرَتْ الْمَسَاوِي مِنِّي فَبِعَدْلِكَ وَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ إِلَهِي

و اگر کارهای بد از من روی دهد آن هم بستگی به عدل تو دارد و تو را بر من حجت است خدایا
کیف تکلیفی و قد تکفلت لی و کیف أضام و أنت الناصر لی أم کیف

چگونه مرا وامی گذاری در صورتی که کفایتم کردی و چگونه مورد ستم واقع گردم با اینکه تو یاور منی یا چگونه
أخيب و أنت الحفی بی ها أنا أتوسلُ إلیک بفقری إلیک و کیف

ناامید گردم در صورتی که تو نسبت به من مهربانی هم اکنون به درگاه تو توسل جویم
بوسیله آن نیازی که به درگاهت دارم و چگونه

أَتَوَسَّلُ إلیک بما هو محالٌ أن یصلَ إلیک أم کیف أشکو إلیک حالی

توسل جویم بوسیله فقری که محال است پیرامون تو راه یابد یا چگونه از حال خویش به
درگاهت شکوه کنم با اینکه حال

وهو لا یخفی علیک أم کیف أترجمُ بمقالی وهو منک برز إلیک أم

من بر تو پنهان نیست یا چگونه با زبان (قال) ترجمه حال خود کنم در صورتی که آنهم از
پیش تو بروز کرده به نزد خودت یا

کیف تُخیبُ امالی وهی قد و قدت إلیک أم کیف لا تُحسِنُ أحوالی

چگونه آرزوهایم به نومیدی گراید با اینکه به آستان تو وارد شده یا چگونه احوالم را نیکو نکنی

وبک قامتِ إلهی ما أطفک بی معَ عظیمِ جهلی وما أرحمک بی معَ

با اینکه احوال من به تو قائم است خدایا چه اندازه به من لطف داری با این نادانی عظیم من و چقدر به من مهر
داری

قَبِيحٍ فَعَلِيَ إِلَهِي مَا أَقْرَبَكَ مِنِّي وَأَبْعَدْتَنِي عَنْكَ وَمَا أَرَأَيْتَ بِي فَمَا
 با این کردار زشت من خدایا چقدر تو به من نزدیکی و در مقابل چقدر من از تو دورم و با اینهمه
 که تو نسبت به من مهربانی
 الَّذِي يَحْجُبُنِي عَنْكَ إِلَهِي عَلِمْتُ بِاخْتِلَافِ الْأَثَارِ وَتَنَقُّلاتِ
 پس آن چیست که مرا از تو محجوب دارد خدایا آن طوری که من از روی اختلاف آثار و تغییر و تحول
 الأطوارِ أَنْ مُرَادَكَ مِنِّي أَنْ تَتَعَرَّفَ إِلَيَّ فِي كَلْسِيءٍ حَتَّى لَا أَجْهَلَكَ
 اطوار بدست آورده ام مقصود تو از من آنست که خود را در هر چیزی (جداگانه) به من بشناسانی تا
 من
 فِي شَيْءٍ إِلَهِي كَلَّمَا أَخْرَسَنِي لَوْمِي أَنْطَقَنِي كَرَمَكَ وَكَلَّمَا آيَسْتَنِي
 در هیچ چیزی نسبت به تو جاهل نباشم خدایا هر اندازه پستی من زبانم را لال می
 کند کرم تو آنرا گویا می کند و هر اندازه
 أَوْصَافِي أَطْمَعْتَنِي مَنَّكَ إِلَهِي مَنْ كَانَتْ مَحَاسِنُهُ مَسَاوِي فَكَيْفَ
 اوصاف من مرا مایوس می کند نعمتهای تو به طعمم اندازد خدایا آنکس که کارهای خوبش کار بد باشد
 لَا تَكُونُ مَسَاوِيهِ مَسَاوِي وَمَنْ كَانَتْ حَقَائِقُهُ دَعَاوِي فَكَيْفَ لَا
 پس چگونه کار بدش بد نباشد و آنکس که حقیقت گویی هایش ادعایی بیش نباشد پس چگونه
 تَكُونُ دَعَاوِيهِ دَعَاوِي إِلَهِي حُكْمَكَ النَّافِذُ وَمَشِيَّتَكَ الْقَاهِرَةُ لَمْ
 ادعاهایش ادعا نباشد خدایا فرمان نافذت و مشیت قاهره برای هیچ گوینده ای فرصت
 يَتْرُكَ لِي مَقَالٍ مَقَالًا وَلَا لِي حَالٍ حَالًا إِلَهِي كَمْ مِنْ طَاعَةٍ بَنَيْتُهَا
 گفتار نگذارد و برای هیچ صاحب حالی حس و حال به جای نهد خدایا چه بسیار طاعتی که (پیش خود) پایه گذاری
 کردم
 وَحَالَهُ شَيْدَتْهَا هَدَمَ اعْتِمَادِي عَلَيْهَا عَدْلَكَ بَلْ أَقَالَنِي مِنْهَا فَضْلَكَ
 و چه بسیار حالتی که بنیادش کردم ولی (یاد) عدل تو اعتمادی را که بر آنها داشتم
 یکسره فروریخت بلکه فضل تو نیز اعتمادم را بهم زد
 إِلَهِي إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنِّي وَإِنْ لَمْ تَدَمْ الطَّاعَةَ مِنِّي فِعْلًا جَزْمًا فَقَدْ دَامَتْ
 خدایا تو می دانی که اگر چه طاعت تو در من بصورت کاری مثبت ادامه ندارد ولی
 مَحَبَّةً وَعَزْمًا إِلَهِي كَيْفَ أَعَزِمُ وَأَنْتَ الْقَاهِرُ وَكَيْفَ لَا أَعَزِمُ وَأَنْتَ
 دوستی و تصمیم بر انجام آن در من ادامه دارد خدایا چگونه تصمیم گیرم در صورتی که تحت قهر توام و چگونه
 تصمیم نگیرم با اینکه
 الْأَمْرُ إِلَهِي تَرَدَّدِي فِي الْأَثَارِ يُوجِبُ بَعْدَ الْمَزَارِ فَاجْمَعْنِي عَلَيْكَ

تو دستورم دهی خدایا تفکر (یا گردش) من در آثار تو راه مرا به دیدارت دور سازد پس کردار مرا با خودت
بخدمه تو وصلنی ای یک کیف یستدل علیک بما هو فی وجوده مفتقر
بوسیله خدمتی که مرا به تو برساند چگونه استدلال شود بر وجود تو به چیزی که خود آن
موجود در هستیش نیازمند

ای یک ای کون لغیرک من الظهور ما لیس لک حتی یكون هو المظهر
به تو است و آیا اساساً برای ما سوای تو ظهوری هست که در تو نباشد تا آن وسیله ظهور تو
لک متی غبت حتی تحتاج الی دلیل یدل علیک ومتی بعدت حتی
گردد تو کی پنهان شده ای تا محتاج بدلیلی باشیم که به تو راهنمایی کند و چه وقت دور مانده ای تا
تكون الأثار هی التی توصل الیک عمیت عین لا تراک علیها
آثار تو ما را به تو واصل گرداند کور باد آن چشمی که تو را نبیند که مراقب
رقیباً و خسرت صفة عبد لم تجعل له من حُبک نصیباً الهی امرت
او هستی و زیان کار باد سودای آن بنده که از محبت خویش به او بهره ای ندادی خدایا فرمان دادی
بالرجوع الی الأثار فارجعنی الیک بکسوة الأنوار وهدایه
که به آثار تو رجوع کنم پس باز گردان بسوی خود (پس از مراجعه به آثار) به پوششی از انوار و راهنمایی
الاستبصار حتی أرجع الیک منها کما دخلت الیک منها مصون
و از بینش جوئی تا بازگردم بسویت پس از دیدن آثار هم چنانکه آمدم بسویت از آنها که نهادم
السّر عن النظر إليها و مرفوع الهمه عن الاعتماد علیها انک علی
از نظر به آنها مصون مانده و همتم را از اعتماد بدانها برداشته باشم که براستی تو بر هر
کلشی قدیر الهی هذا ذلی ظاهر بین یدیک وهذا حالی لا یخفی
چیز توانائی خدایا این خواری من است که پیش رویت عیان و آشکار است و این حال
(تباه) من است

علیک منک اطلب الوصول الیک و بک استدل علیک فاهدنی
که بر تو پوشیده نیست از تو خواهیم که مرا به خود برسانی و بوسیله ذات تو بر تو دلیل می جویم
بنورک الیک واقمنی بصدق العبودیه بین یدیک الهی علمنی من
پس به نور خود مرا بر ذاتت راهنمایی فرما و به یاد آر مرا با بندگی صادقانه در پیش رویت خدایا بیاموز به من
علمک المخزون وصتی بسترک المصون الهی حققنی بحقائق اهل
از دانش مخزونت و محفوظم دار به پرده مصونت خدایا مرا به حقائق نزدیکان درگاهت
القرب واسلک بی مسلک اهل الجذب الهی اغنی بتدبیرک لی
بیارای و به راه اهل جذبه و شوق ببر خدایا بی نیاز کن مرا به تدبیر خودت در باره ام

عَنْ تَدْبِيرِي وَبِاخْتِيَارِكَ عَنِ اخْتِيَارِي وَأَوْقِفْنِي عَلَى مَرَائِزِ
 از تدبیر خودم و به اختیار خودت از اختیار خودم و بر جاهای
 اضطراری الهی آخرجنی مِنْ ذُلِّ نَفْسِي وَطَهَّرْنِي مِنْ شَكِّي
 بیچارگی و درماندگیم مرا واقف گردان خدایا مرا از خواری نفسم نجات ده و پاکم کن از شک
 وَشِرْكِي قَبْلَ حُلُولِ رَمْسِي بِكَ أَنْتَصِرُ فَأَنْصُرُنِي وَعَلَيْكَ أَتَوَكَّلُ فَلَا
 و شرک خودم پیش از آنکه داخل گورم گردم به تو یاری جویم پس تو هم یاریم کن و بر تو توکل کنم پس
 تَكِلْنِي وَإِيَّاكَ أَسْتَلُّ فَلَا تُخَيِّبْنِي وَفِي فَضْلِكَ أَرْغَبُ فَلَا تَحْرِمْنِي
 مرا وامگذار و از تو درخواست کنم پس ناامیدم مگردان و در فضل تو رغبت کرده ام پس محرومم
 مفرما
 وَبِحَبَابِكَ أَنْتَسِبُ فَلَا تُبْعِدْنِي وَبِبَابِكَ أَقِفْ فَلَا تَطْرُدْنِي إِلَهِي
 و به حضرت تو خود را بسته ام پس دورم مکن و به درگاه تو ایستاده ام پس طردم مکن خدایا
 تَقَدَّسَ رِضَاكَ أَنْ يَكُونَ لَهُ عِلَّةٌ مِنْكَ فَكَيْفَ يَكُونُ لَهُ عِلَّةٌ مِنِّي
 مبرا است خوشنودی تو از اینکه علت و سببی از جانب تو داشته باشد پس چگونه ممکن است من سبب آن
 گردم
 إِلَهِي أَنْتَ الْعَنِي بِذَاتِكَ أَنْ يَصِلَ إِلَيْكَ النَّفْعُ مِنْكَ فَكَيْفَ لَا تَكُونُ
 خدایا تو به ذات خود بی نیازی از اینکه سودی از جانب خودت به تو برسد پس چگونه از من بی نیاز
 نباشی
 غَنِيًّا عَنِّي إِلَهِي إِنَّ الْقَضَاءَ وَالْقَدَرَ يُمْنِنِي وَإِنَّ الْهَوَى بِيَوَائِقِ
 خدایا براستی قضا و قدر مرا آرزومند می کنند و از آن سو هوای نفس مرا به بندهای
 الشَّهْوَةِ أَسْرَنِي فَكُنْ أَنْتَ النَّصِيرَ لِي حَتَّى تَنْصُرُنِي وَتُبَصِّرُنِي
 شهوت اسیر کرده پس تو یاور من باش تا پیروزم کنی و بینایم کنی
 وَأَعْنِي بِفَضْلِكَ حَتَّى أَسْتَعِينِي بِكَ عَنْ طَلْبِي أَنْتَ الَّذِي أَسْرَفْتَ
 و بوسیله فضل خویش بی نیازم گردانی تا بوسیله تو از طلب کردن بی نیاز شوم توئی که تاباندی
 الْأَنْوَارَ فِي قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ حَتَّى عَرَفُوكَ وَوَحَّدُوكَ وَأَنْتَ الَّذِي
 انوار (معرفت) را در دل اولیائت تا اینکه تو را شناختند و یگانه ات دانستند و توئی که
 أَرَزَلْتَ الْأَعْيَارَ عَنْ قُلُوبِ أَحِبَّائِكَ حَتَّى لَمْ يُحِبُّوا سِوَاكَ وَلَمْ يَلْجَأُوا
 اغیار و بیگانگان را از دل دوستانت براندی تا اینکه کسی را جز تو دوست نداشته و به غیر تو پناهنده و ملتجی
 إِلَى غَيْرِكَ أَنْتَ الْمُؤْنِسُ لَهُمْ حَيْثُ أَوْحَشَتْهُمْ الْعَوَالِمُ وَأَنْتَ الَّذِي
 نشوند و توئی مونس ایشان در آنجا که عوالم وجود آنها را به وحشت اندازد و توئی که

هَدَيْتَهُمْ حَيْثُ اسْتَبَانَ لَهُمُ الْمَعَالِمُ مَاذَا وَجَدَ مَنْ فَقَدَكَ وَمَا الَّذِي

راهنمائیشان کنی آنگاه که نشانه‌ها برایشان آشکار گردد چه دارد آنکس که تو را گم کرده؟ و چه ندارد

فَقَدَ مَنْ وَجَدَكَ لَقَدْ خَابَ مَنْ رَضِيَ دُونَكَ بَدَلًا وَلَقَدْ خَسِرَ مَنْ بَغَى

آنکس که تو را یافته است برآستی محروم است آنکس که بجای تو بدیگری راضی شود و بطور حتم زیانکار است کسی که

عَنْكَ مَتَحَوَّلًا كَيْفَ يُرْجَى سِوَاكَ وَأَنْتَ مَا قَطَعْتَ الْإِحْسَانَ وَكَيْفَ

از تو به دیگری روی کند چسان می شود بغیر تو امیدوار بود در صورتی که تو احسانت را قطع نکردی و چگونه

يُطَلَّبُ مِنْ غَيْرِكَ وَأَنْتَ مَا بَدَّلْتَ عَادَةَ الْأُمْتِنَانِ يَا مَنْ أَذَاقَ أَحِبَّائَهُ

از غیر تو می توان طلب کرد با اینکه تو تغییر نداده‌ای شیوه عطابخشیت را ای خدائی که به دوستان

حَلَاوَةَ الْمُوْأَنَسَةِ فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَمَلِّقِينَ وَيَا مَنْ أَلْبَسَ أَوْلِيَاءَهُ

شیرینی همدمی خود را چشاندی و آنها در برابرت به چاپلوسی برخاستند و ای خدائی که پوشاندی بر اولیاء خود

مَلَابِسَ هَيْبَتِهِ فَقَامُوا بَيْنَ يَدَيْهِ مُسْتَغْفِرِينَ أَنْتَ الذَّاكِرُ قَبْلَ

خلعت‌های هیبت خود را پس آنها در برابرت به آمرزش خواهی بپاخواستند توئی که یاد کنی پیش از آنکه

الذَّاكِرِينَ وَأَنْتَ الْبَادِي بِالْإِحْسَانِ قَبْلَ تَوَجُّهِ الْعَابِدِينَ وَأَنْتَ

یاد کنندگان یادت کنند و توئی آغازنده به احسان قبل از آنکه پرستش کنندگان بسویت توجه کنند و توئی

الْجَوَادُ بِالْعَطَاءِ قَبْلَ طَلَبِ الطَّالِبِينَ وَأَنْتَ الْوَهَّابُ ثُمَّ لِمَا وَهَبْتَ لَنَا

بخشنده عطا پیش از آنکه خواهندگان از تو خواهند و توئی پربخشش و سپس همان را که به ما بخشیده‌ای از ما

مِنَ الْمُسْتَقْرِضِينَ إِلَهِي أَطْلُبُنِي بِرَحْمَتِكَ حَتَّى أَصِلَ إِلَيْكَ

به قرض می خواهی خدایا مرا بوسیله رحمتت بطلب تا من به نعمت وصال نائل گردم

وَأَجْذِبْنِي بِمَنِّكَ حَتَّى أَقْبَلَ عَلَيْكَ إِلَهِي إِنَّ رَجَائِي لَا يَنْقَطِعُ عَنْكَ

و بوسیله نعمت مرا جذب کن تا به تو رو کنم خدایا برآستی امید من از تو قطع نگردد و اگر چه

وَإِنْ عَصَيْتُكَ كَمَا أَنَّ خَوْفِي لَا يُزِيلُنِي وَإِنْ أَطَعْتُكَ فَقَدْ دَفَعْتَنِي

نافرمانیت کنم چنانکه ترسم و از تو زائل نشود و گرچه فرمانت برم همانا جهانیان مرا بسوی تو رانده اند

الْعَوَالِمُ إِلَيْكَ وَقَدْ أَوْقَعَنِي عِلْمِي بِكَرَمِكَ عَلَيْكَ إِلَهِي كَيْفَ أَخِيبُ

و آن علمی که به کرم تو دارم مرا به درگاه تو آورده خدایا چگونه نومید شوم

وَأَنْتَ أَمَلِي أَمْ كَيْفَ أَهَانُ وَعَلَيْكَ مُتَّكِلِي إِلَهِي كَيْفَ اسْتَعِزُّ وَفِي

و تو آرزوی منی و چگونه پست و خوار شوم با اینکه اعتمادم بر تو است خدایا چگونه عزت جویم با اینکه در

الدَّالَّةِ أَرْكَزْتُنِي أَمْكَيْفَ لَا أَسْتَعِزُّ وَإِلَيْكَ نَسَبْتَنِي إِلَهِي كَيْفَ لَا أَتَقَرُّ
 خواری جایم دادی و چگونه عزت نجویم با اینکه به خود مُنْتَسِمِ کردی خدایا چگونه نیازمند نباشم
 وَأَنْتَ الَّذِي فِي الْفُقَرَاءِ أَقَمْتَنِي أَمْ كَيْفَ أَتَقَرُّ وَأَنْتَ الَّذِي بِجُودِكَ
 با اینکه تو در نیازمندانم جای دادی یا چگونه نیازمند باشم و توئی که به جود و بخشش
 أَغْنَيْتَنِي وَأَنْتَ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُكَ تَعَرَّفْتَ لِكُلِّ شَيْءٍ فَمَا جَهْلَكَ
 بی نیازم کردی و توئی که معبودی جز تو نیست شناساندی خود را به هر چیز و هیچ چیزی نیست که تو را
 نشناسد

شَيْءٌ وَأَنْتَ الَّذِي تَعَرَّفْتَ إِلَيَّ فِي كُلِّ شَيْءٍ فَرَأَيْتَكَ ظَاهِرًا فِي
 و توئی که شناساندی خود را به من در هر چیز و من تو را آشکار در
 كُلِّ شَيْءٍ وَأَنْتَ الظَّاهِرُ لِكُلِّ شَيْءٍ يَا مَنْ اسْتَوَى بِرَحْمَانِيَّتِهِ فَصَارَ
 هر چیز دیدم و توئی آشکار بر هر چیز ای که بوسیله مقام رحمانیت خود (بر همه چیز) احاطه کردی
 الْعَرْشُ غَيْبًا فِي ذَاتِهِ مَحْفَتَ الْأَثَارِ بِالْأَثَارِ وَمَحْوَتِ الْأَغْيَارِ
 و عرش در ذاتش پنهان شد توئی که آثار را به آثار نابود کردی و اغیار را
 بِمُحِيطَاتِ أَفْلَاكِ الْأَنْوَارِ يَا مَنْ احْتَجَبَ فِي سُرَادِقَاتِ عَرْشِهِ عَنْ
 به احاطه کننده های افلاک انوار محو کردی ای که در سراپرده های عرشش محتجب شد
 أَنْ تُدْرِكَهُ الْأَبْصَارُ يَا مَنْ تَجَلَّى بِكَمَالِ بَهَائِهِ فَتَحَقَّقَتْ عَظَمَتُهُ [مِنْ
 از اینکه دیده ها او را درک کنند ای که تجلی کردی به کمال زیبایی و نورانیت و پابرجا شد
 عظمتش از

الْأَسْتِوَاءِ كَيْفَ تَخْفَى وَأَنْتَ الظَّاهِرُ أَمْ كَيْفَ تَغِيبُ وَأَنْتَ الرَّقِيبُ
 استواری چگونه پنهان شوی با اینکه تو آشکاری یا چگونه غایب شوی که تو نگهبان
 الْحَاضِرِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَحْدَهُ